

واکاوی رویکرد توجه به زبان خاص قرآن در روایات اهل بیت علیهم السلام و هرمنوتیک روشگرا

سمیه عبداللهی^۱

زهره اخوان مقدم^۲

محمدرضا آرام^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۹

چکیده

یکی از مسایل مهم در تفسیر و هرمنوتیک، توجه به زبان خاص متن است. شناخت زبان متن، نوعی رویکرد به متن برای شناخت نیت مؤلف است. این بحثی نوظهور در میان قرآن پژوهان می‌باشد و در آن اختلافاتی بنیادی وجود دارد، اما زبان شناسی متن، به چشم بسیاری از اندیشمندان «الگوی فرهنگ بشری»^۴ به شمار می‌آید. با دقت در روایات تفسیری، شواهدی بر توجه اهل بیت(ع) به این عنصر مهم در فهم قرآن به دست می‌آید و کشف وجوه آن نیازمند تلاش علمی در این زمینه است. در این نوشتار سعی شده به روش تحلیلی-توصیفی به واکاوی این مبحث در روایات تفسیری اهل بیت(ع)-به عنوان آگاهان تام به تمام قرآن از تمام جهات- پرداخته شود. بدین منظور ابتدا مباحثی در زمینه زبان شناسی قرآن بیان گردیده و با بیان اهمیت این علم، در دیدگاه هرمنوتیستهای روشگرا و همچنین کشف و بازخوانی روایاتی در توجه به زبان شناسی، مولفه‌های از این مبحث در کلام اهل بیت(ع) شناسایی و معرفی گردد.

واژگان کلیدی: زبان شناسی قرآن، نشانه شناسی، روایات اهل بیت(ع)، هرمنوتیک روشگرا

^۱ دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ دانشیار گروه علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

^۳ دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۴ به این معنا که وقتی ما در جامعه انسانی زندگی می‌کنیم پیوسته از طریق زبان (آنچه می‌گوییم و آنچه می‌نویسیم)، از طریق رفتارهای فرهنگی و آیین‌ها، پوشاک، زبان بدن (ژست‌ها)، فضاهای شهری و معماری، تابلوها، اتوبوس نوشته‌ها و... نشان می‌دهیم که ما موجودات نشانه‌سازی هستیم و چیزهای مختلفی را برای ابلاغ پیام به دیگران تولید می‌کنیم.

۱. مقدمه

زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی در میان هرمنوتیستها به عنوان یک اصل مهم مطرح است و روابط ژرفی میان نشانه‌شناسی و هرمنوتیک وجود دارد.^۵ برای مولف متن، نه تنها اندیشیدن پیرامون آنچه می‌گوید، لازم است؛ بلکه نحوه گفتن، نیز اهمیت است. برای نگارش متن، تنها سازماندهی ایده‌های بیان شده و تولید جملات و پاراگراف‌های منسجم کافی نیست و علاوه بر این، رعایت سبک، آهنگ و نظم نوشته و ایجاد سازش با مخاطب مورد نظر نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. همچنین، بررسی مخاطب یک نوشته و هدف نویسنده، از موارد کلیدی در موثر واقع شدن یک متن است. برای انتخاب یک زبان تاثیرگذار، نویسنده باید بر روی هدف، محتوا و نوع مخاطب تمرکز کند.^۶ شناخت زبان قرآن، در فهم قرآن نیز می‌تواند یکی از روشهایی در فهم صحیح مراد الهی باشد. واکاوی روایات اهل بیت (ع) در شناسایی این مولفه از آنجا که ایشان عالمان به اسرار قرآن و دانایانی تام بر تبیین قرآن هستند می‌تواند چاره‌گشا و راهگشا در استفاده از این گزاره در فهم قرآن باشد. در این نوشتار ضمن اشاره به وجود این مسئله، در تفسیر اهل بیت (ع) و اصلی در هرمنوتیک روشگرا به بیان ارتباط آنها باهم پرداخته خواهد شد.

۲. توجه به زبان قرآن

بررسی زبان قرآن به عنوان یک اصطلاح فنی، از مبانی فهم و تفسیر قرآن و موضوعی پراهمیت و در عین حال نو و ناپرداخته به شمار می‌آید. این موضوع مسائل متعددی مانند زبان قرآن، نقش و کارکرد آن (انگیختگی یا معرفت بخشی)، یک وجهی بودن یا چند وجهی بودن (از بعد معناشناختی)، فیصله بخشی یا رازواری (از منظر روش شناختی) و جز آن را در برمی-

^۵ از آنجا که نشانه‌شناسی عبارت است از مطالعه‌ی نشانه‌ها و فرایندهای تأویل، با توجه به این که یک چیز، فقط هنگامی نشانه است، که یک مفسر آن را به عنوان نشانه‌ی چیزی، تأویل و تفسیر کرده باشد؛ بنابراین روابط ژرفی میان نشانه‌شناسی و هرمنوتیک وجود دارد اما در عین حال این دانش با هرمنوتیک فلسفی دارای تعارضات فراوانی است (لذا در این نگارش هرمنوتیک روشگرا مورد توجه است) ر. ک قائمی‌نیا، بیولوژی نص، ۵۰-۵۱

^۶ سوسور به عنوان یکی از مهمترین نظریه پردازان در این زمینه معتقد است که زبان اغلب به عنوان مجموعه‌ای از لغات و اسامی در نظر گرفته می‌شود و چنین برداشتی مانع از درک ماهیت واقعی زبان می‌گردد. او به جای اینکه زبان را مجموعه‌ای از لغات و اسامی بداند، آن را روشی برای دسته بندی می‌داند. زبان گفتاری، تنها نشانگر ماهیت واقعی زبان نیست. آنچه که نمایانگر ماهیت واقعی است، دسته بندی اصولی و ایجاد نظامی هماهنگ از نشانه‌های مختلفی مطابق با معانی مختلف است. اگر ما بخواهیم به ماهیت حقیقی زبان دست یابیم، بایستی آن را نظامی نشانه‌ای به حساب آوریم.

گیرد (سعیدی روشن، ۱۳۸۷، ص ۳۵۵). شناخت زبان قرآن با دو دانش، نوپدید زبانشناسی و نشانه شناسی^۷ ارتباط دارد. مبحث زبان قرآن از جهت ساختاری مانند صرف و نحو، زیرمجموعه زبانشناسی است و از نظر معناداری نیز با مباحث هرمنوتیک و فلسفه زبان و زبان دین ارتباط برقرار می‌کند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۲) به کمک روش‌های نشانه شناسی و زبان شناسی می‌توان ساختار اصلی و مناسبات درونی قرآن را درک کرده، به فهم مراد جدی خداوند نائل آمد، هرچند سطحی از این مباحث در تفاسیر مفسران وجود دارد، اما به طور عمیق‌تر و کلاسیک‌تر این مباحث نزد متخصصین غربی مطرح است.

مراد از زبان قرآن نزد محققان، زبان وحی است؛ یعنی شیوه و سبک بیان قرآن در رساندن پیام. به عبارت دیگر خداوند در ارسال وحی و پیام هدایت از چه سبک و شیوه‌ای استفاده کرده است. از آنجا که خداوند متعال از نظام حاکم بر آنها برتر است، از این رو برتر از آن است که همانند گفتگوی میان خود انسانها با یکدیگر، با ایشان تکلم نماید، از این رو، راه وحی را برای راهنمایی آنان به سوی سعادت برگزیده است (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۷۴)، علامه طباطبائی می‌نویسد: از آنجا که سعادت انسان در پرتو شعور و دانش تحقق می‌یابد و عقل و اندیشه انسان با وجود وی (نارساییها) خطاهایی که در آن رخ می‌دهد برای رساندن انسان به سرمنزل سعادت کافی نیست، از این رو خدای سبحان راه وحی نبوی را که خطا بر دار نیست برای هدایت انسان برگزید (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۳۹۸). وحی، گونه ارتباط خدا با بشر است. این اصل راه را بر تحلیل نشانه شناختی وحی هموار می‌کند؛ زیرا هر ارتباطی به کمک نشانه‌ها صورت می‌گیرد. در نتیجه خداوند به واسطه نشانه‌هایی از یک زبان طبیعی (عربی) با بشر ارتباط برقرار کرده است. زیرا دانش نشانه شناسی با تحلیل ارتباط سرو کار دارد. هرچند این ارتباط در مرحله اول (ارتباط با پیامبر) به صورت شفاهی و زبانی بوده و در ادامه به شکل مکتوب برای دیگر مخاطبان درآمده است.

توجه به زبان و ویژگی‌های قرآن، برای فهم متن قرآن بسیار اهمیت دارد تا با توجه به اقتضات زبان آن بتوان روش فهم بهتری از آن را ترسیم نمود. اما چگونه می‌توان زبان قرآن را کشف کرد؟ سبک بیان قرآن با توجه به چه مسائل و عواملی قابل شناخت و بازیابی است؟

^۷ زبانشناسی، منتسب به دوسوسور است و بیشتر هرمنوتیستها از اندیشه‌های وی تاثیر گرفته اند. حوزه مورد علاقه او، نشانه زبانی است؛ که در آن دنباله‌رو سنت نظریه‌پردازی در باب نشانه‌های قراردادی است و مفهوم در اولویت قرار دارد. او معتقد است فرایند ارتباط زبانی مستلزم انتقال محتوای ذهن است. زیرا نشانه‌هایی که رمزگان مورد استفاده در ارتباط میان دو شخص را می‌سازند، محتوای ذهن هر یک از آنها را آشکار می‌کنند. ترکیب ذهن با نوع خاصی از رمزگان نشانه‌ای، نکته‌ای بود که به دوسوسور جسارت داد، طراحی یک علم جدید را انجام دهد؛ که به بررسی زندگی نشانه‌ها در دل زندگی اجتماعی پرداخته و بخشی از روان‌شناسی اجتماعی و روان‌شناسی عمومی باشد؛ که به آن نشانه‌شناسی لقب داد. (کاپلی، پل، ۱۳۸۰، ص ۱۴-۹). برای مطالعه بیشتر در این موضوع مراجعه کنید به: قائمی‌نیا، بیولوژی نص (نشانه شناسی و تفسیر قرآن)

با دقت و توجه در روایات، می‌توان توجه اهل بیت (ع) نسبت به این مسئله را دریافت، هر چند که با این نام وبه طور خاص به آن پرداخته نشده است. در ادامه ضمن مباحث زبان شناختی قرآن، به این دست روایات اشاره می‌رود.

۳. رهیافت‌های کشف زبان قرآن

یکی از موضوعات درخور اهمیت در ارتباط با فهم و زبان قرآن، روش کشف زبان قرآن است. برای شناخت زبان قرآن، رهیافت‌های متعددی بیان شده که اهم آنها روش‌های زیر است^۱؛

۳,۱. مؤلف شناسی؛ راهی عقلی بر زبان شناسی

اولین و مهمترین راه برای پی بردن به زبان متن، شناخت گوینده متن است. در روایتی امام علی (ع) درباره قرآن می‌فرماید: لَا يُشْبِهُهُ شَيْءٌ مِنْ كَلَامِهِ بِكَلَامِ الْبَشَرِ فَكَلَامُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى صِفَتُهُ وَ كَلَامُ الْبَشَرِ أَعْمَالُهُمْ فَلَا تُشْبِهُ كَلَامُ اللَّهِ بِكَلَامِ الْبَشَرِ ... (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۸۹، ص ۱۰۷)

اگرچه کتاب خداوند مانند کتب دیگر به صورت متن در اختیار ما می‌باشد، اما ویژگیهای گوینده آن باعث تفاوتی اساسی در زبان قرآن و نوع بیان معارف در آن شده است. در روایت یادشده نیز امیر بیان، کلام خداوند را انعکاسی از صفات الهی معرفی می‌کند که شبیه کلام بشری نیست. درباره این سخن امام علیه السلام، تأملات فراوان می‌توان داشت که درنگ در آنها، ممکن است دریچه‌هایی نو از فهم کلام خداوند را بر روی انسان بگشاید؛ اما مهمترین نکته آن است که امام علیه السلام، کلام خداوند را از سنخ صفات الهی می‌داند و کلام بشر را از سنخ افعال انسانی. می‌دانیم که فعل انسانی، فرایندی است که در امتداد زمان، تکامل می‌پذیرد. به بیان دیگر، تکامل زبان تابعی از تکامل افعال انسانی است و به تناسب کمال یابی فعل آدمی، ساخت زبانی تکامل یافته است، اما وقتی کلام خداوند از سنخ صفت الهی شمرده شود، باید بدانیم که خداوند صفاتی متحد با ذات دارد و چنان که ذات خداوند راهی به کمال ندارد - زیرا کمال مطلق است - کلام خداوند نیز چنین خواهد بود. بنابراین فرایند پذیری و تکامل یابی برای کلام خدا متصور نیست. اما این نکته باید معطوف به حقیقت کلام خداوند باشد و نمی‌توان از آن، تطبیق مفاهیم زبانی و قواعد واژگانی و دلالات گزاره‌ها و مانند آن را در ادبیات حاکم بر کلام الهی نادیده گرفت. به بیان روشن‌تر، در زبان و کلام بشر، این محدودیت‌ها حاکم بر افعال بشر است که به زبان تطور می‌بخشد، آن را فرایندپذیر ساخته و عصر به عصر، تکامل می‌دهد یا دگرگون می‌سازد، اما کلام خداوند چون معطوف به مخاطبان است و مخاطبان از جنس بشرند، محدودیت‌های مخاطب است که ممکن است ما را به چنین گمانه‌زنی بکشاند که در کلام خداوند نیز تطور و تحول حاصل آمده است. (این نکته شایسته دقت فراوان است)

^۱ برای مطالعه تفصیلی در این بحث مراجعه کنید به کتاب محمد باقر سعیدی روشن، تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم

آن، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

با پذیرش وجود خدا با کمال مطلق، که آفریدگار جهان هستی و انسان است، در این مبنای عقلی نمی‌توان مناقشه کرد که فلسفه ضرورت وحی و پیام هدایت نبوی، همان فلسفه پیدایش وجود انسان یعنی تکامل آگاهانه و اختیاری اوست. بدین روی می‌توان به صورت تئوریکال از طریق تاملات پیشینی عقلی در صفات و افعال خداوند راهی به سوی شناخت چگونگی بودن کلام خدا و زبان وحی گشود. (سعیدی روشن، ۱۳۸۷، ص ۳۵۹)

۳،۲. شناخت هدف متن، راه تشخیص زبان

یک شیوه عقلی برای فهم زبان، جستجو درباره قصد و نیت گوینده، از طریق زبان طراح و سازنده آن است، اینکه در مورد قرآن در یابیم خداوند درباره هدف ارسال قرآن چه گفته است، نقش قابل توجهی در کشف زبان قرآن ایفا خواهد کرد و یکی از راههای رسیدن به زبان گوینده کشف هدف او است. خداوند در قرآن به بیان اهداف نزول آن پرداخته است و شناخت از طریق این مسیر را هموار کرده است. هدف از ارسال قرآن را با توجه به آیات^۹ می‌توان به دو مجموعه کلی تقسیم نمود؛ که بخشی ناظر به بعد فردی انسان است، بخشی دیگر به بعد اجتماعی اشاره دارد. گفتنی است در تقسیم و بیان این اهداف، برخی از آنها در هم تنیده شده است و لازم و ملزوم یکدیگر هستند و برخی دیگر چنان گسترده‌اند که اهداف دیگر را در برمی‌گیرند. اجزای این مجموعه‌ها را می‌توان به صورت زیر دسته بندی نمود:

الف) اهداف کلام الهی در بعد فردی

— *رهایی از غفلت*؛ قرآن مجید یکی از اهداف خود را نجات مخاطبان انسان از غفلت معرفی می‌کند: *تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ لِيُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ* {قرآن: ۵/۳۶-۶} قرآن فرستاده خدای شکست‌ناپذیر و مهربان است تا کسانی را که پدرانشان بیم داده نشده‌اند بیم دهی؛ زیرا ایشان غافل‌اند.

چه عدم انداز پدران را به عصر فترت؛ یعنی حد فاصل عروج عیسی و بعثت نبوی پیوند زنیم، یا آن را عبارت از ناهوشیاری و غفلت زدگی آنان علیرغم اندازهای وحیانی رسولان بدانیم، بیرون رفت مخاطبان متن (قرآن کریم) از دایره غفلت زدگی با خوانش و تأمل در متن و درنگ در فحوای آن حاصل شدنی تلقی گردیده است.

^۹. نکته در خور توجه اینکه در تقسیم اهداف قرآن برخی از این اهداف متداخل هستند و عبارت دیگر قسیم واقعی یکدیگر به حساب نمی‌آیند و شاید به نظر برسد که آن تقسیم بیهوده است. ولی مراد ما یک تقسیم حقیقی با قسیم‌های کاملاً بنیادی نیست، زیرا اصولاً در برخی آیات نیز توجه به تمام ابعاد مورد توجه قرار گرفته، ما در این تقسیم بندی تنها اعتبارات گوناگون در آیات را لحاظ کرده ایم بنابراین ممکن است مثلاً در یک آیه هم توجه به عدالت فردی مطرح باشد و هم عدالت اجتماعی و...؛ در مقاله‌ای با عنوان اهداف قرآن و شروط و موانع بهره‌مندی از آن، محمود رجبی، معرفت ۱۳۷۷ شماره ۲۴ اهداف قرآن به سه مجموعه تقسیم شده است.

- یادآوری و تذکر؛ {إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ} (قرآن: ۲۷/۸۱)؛ قرآن برای جهانیان جز یادآوری چیز دیگری نیست. چرا که مضمون آن با خواسته‌ها و نیازهای درونی انسان هماهنگ است و چیزی از بیرون بر او تحمیل نمی‌شود.

- سعادت فراگیر و جامع؛ قرآن مجید می‌فرماید: ما قرآن را فرو فرستادیم تا همه شناخت‌های صحیح و لازم برای هدایت انسان، به کمال واقعی‌اش را در اختیار او قرار دهیم {وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ} (قرآن: ۸۹/۱۶)

- استدلال و برهان آوری؛ قرآن کریم با هدف هدایت انسانها و ارائه بینات و براهین محکم در این زمینه راه راستین تکامل را نشان می‌دهد. قرآن کریم در آیاتی به این حقیقت اشاره می‌کند: {...أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ} (قرآن: ۱۸۵/۲)، {يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُم بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ} (قرآن: ۱۷۴/۴). در این گزاره‌ها، مخاطب متن ناس است که عام‌تر از آن وجود ندارد و چون هدایت متوقف بر فهم متن است، دست کم لایه‌هایی از فهم باید برای عموم برای تأمین چنین هدفی، حاصل شدنی باشد.

- رفع اختلاف و روشنگری، تبیین مسائل اختلافی و ارائه معیاری برای شناخت حق از باطل در مسائل اختلافی و مشتبه، یکی دیگر از اهداف قرآن است: {وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ} (قرآن: ۶۴/۱۶) و ما کتاب را بر تو نازل نکردیم، مگر برای آنکه آنچه را در آن اختلاف کرده‌اند برایشان روشن سازی.

- تفکرو به کارگیری عقل و فهم، قرآن در خصوص اینکه هدف از نزول آن تفکر و اندیشیدن است، می‌فرماید: {وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ} (قرآن: ۴۴/۱۶)؛ و قرآن را به سوی تو فرو فرستادیم تا آنچه را نازل شده است برای مردم تبیین کنی و شاید بیندیشند. {إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ} (قرآن: ۲/۱۲) ما کتاب خویش را به صورت خواندنی عربی فرو فرستادیم، تا شاید عقل را به کار بندید

- وصول به توحید؛ قرآن مجید یکی از اهداف نزول خود را آگاه ساختن مردم از توحید در الوهیت قرار داده است و می‌فرماید: {هَذَا بَلَاغٌ لِّلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذْكُرَ أُولُو الْأَلْبَابِ} (قرآن: ۵۲/۱۴) این (قرآن) بیان رسائی برای مردم است... تا آنکه بدانند که خدا یگانه معبود و موجود شایسته پرستش است.

- پنددهی؛ یکی از اوصاف قرآن «موعظه» می‌باشد و در آیات گوناگون از اینکه هدف قرآن موعظه کردن است، سخن به میان آورده است؛ مانند: {يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُم مَّوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ} (قرآن: ۵۷/۱۰) ای مردم، شما را از سوی خداوندتان پندی آمد.

- انداز و تبشیر؛ تاکیدات قرآن بر بهشت و جهنم و ذکر جزئیات و تفصیلات پاداش‌ها و کیفرهای آن جهان، علاوه بر ذکر حقایق آن، برای نقش محرک آن در جهت‌دادن و به تلاش واداشتن انسان است.

خداوند در قرآن یکی از اهداف نزول را، انذار و تبشیر معرفی می کند و می فرماید: {أَنْزَلَ عَلَيَّ الْكِتَابَ ... لِيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّنْ لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ} (قرآن: ۲/۱۸، ۱) خداوند بر بنده خویش کتاب را فرو فرستاد... تا از عذاب سخت پروردگار بیم دهد و مؤمنان را بشارت گوید.

-درمان و شفاء، {يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْوِينُكُمْ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ} (قرآن: ۵۷/۱۰)؛ ای مردم، از سوی خدا برایتان... بهبودبخش بیماری های روحی آمد. تعبیر (شفاء لما فی الصدور) در این گزاره، هرگونه بیماری درونی، همچون کفر و نفاق و گمراهی و دیگر امراض باطنی مانند کبر و غرور و بدبینی، که مانع از رشد معنوی انسان است را دربر می گیرد.

-هدایت گری و پنددهی؛ یکی از اهداف جامع قرآن، هدایتگری است که به دنبال آن دل آماده پذیرش هدایت قرآن و تسلیم در برابر موعظه و پند آن می شود. درباره این هدف، قرآن می فرماید: {بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِيُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِنْ نَّذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ...} (قرآن: ۳/۳۲) بلکه آن [کتابی] حق و درست است [که] از سوی پروردگارت [نازل شده است]، تا به مردمی که پیش از تو هیچ بیم دهنده ای برای آنان نیامده است بیم دهی تا هدایت یابند. در آیه دیگری می فرماید: {كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ... وَلِيُنذِرَ أُولُو الْأَلْبَابِ} (قرآن: ۲۹/۳۸) کتابی به سوی تو فرو فرستادیم... برای آنکه خردمندان از آن پند گیرند.

-تقوا؛ ایجاد تقوا در انسان هایکی از اهداف قرآن است. قرآن می فرماید: {قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ} (قرآن: ۲۸/۳۹) قرآن عربی را، که در آن هیچ کژی نیست، فرو فرستادیم تا شاید تقوا پیشه کنند. مقصود از فقدان کژی در متن، نفی مبهم بودن پاره ای از گزاره های آن نیست. اما از آنجا که، پاره ای دیگر از آیات، نقش بازگشایی اعوجاجات احتمالی و مبهمات متن را عهده دار است که از آن به نام محکمات یاد می شود، به ضمیمه ارجاع آن به آورنده متن که وظیفه تبیین آن را بر دوش گرفته است، توگویی متن واجد هیچ گونه اعوجاج و ابهامی نخواهد بود.

ب) اهداف قرآن در بعد اجتماعی:

قرآن علاوه بر اهداف فردی از نزول قرآن، اهداف اجتماعی را نیز بیان نموده چنانکه اگر افراد جامعه هدایت شوند کل جامعه اسلامی به سمت رشد حرکت می کند.

- حل اختلافات؛ در آیه ۲۱۳ از سوره بقره هدف بعثت همه انبیاء و نزول کتب آسمانی قضاوت، در مورد مسایل مورد اختلاف مردم دانسته شده است. در آیه ۶۴ از سوره نحل می فرماید: {وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ} ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای آنکه موارد مورد اختلاف میان مردم را برایشان توضیح دهی و بیان کنی.

ثبات دمی به مؤمنان؛ خداوند می‌فرماید: {قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا...} {قرآن: ۱۰۲/۱۶}؛ ای رسول، بگو این آیات را روح القدس از جانب پروردگارت به حقیقت و راستی آورد تا اهل ایمان را در راه خدا ثابت قدم گرداند.

برپایی جامعه عادلانه؛ بالاترین هدف اسلام ساختن یک حکومت اسلامی عادلانه است. {لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ} {قرآن: ۲۵/۵۷}؛ همانا پیامبران خود را با دلایل و معجزات فرستادیم و برایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم عدالت را به پا دارند.

- حاکمیت قوانین الهی؛ {إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ} {قرآن: ۱۰۵/۴} ای پیامبر، ما قرآن را بحق به سوی تو فرو فرستادیم تا بدانچه خدا با وحی بر تو پدیدار ساخته‌است، حکم نمایی.

- پیروزی دین حق بر سایر ادیان؛ {هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ} {قرآن: ۲۸/۴۸}؛ او رسول خود را با قرآن و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند. حاکمیت دین خدا و غلبه آن بر سایر ادیان، که هدف ارسال پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم است، از دیگر اهداف اجتماعی نزول قرآن است.

- هدایت از ظلمت‌ها به سوی نور؛ {كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ} {قرآن: ۲/۱۴}؛ این قرآن کتابی است که ما به سوی تو فرستادیم تا مردم را به امر خدا، از ظلمات (جهل و کفر) بیرون آوری و به عالم نور برسانی. «نور» و «ظلمت» در این گزاره مصادیق فراوانی دارد، ظلمت شامل کفر و نفاق و زنگارهای دل و هرگونه عاملی را که موجب دوری و جدایی از خداست، می‌گردد و نور، تمام مراتب قرب به خداوند از آغاز تا پایان را دربرمی‌گیرد. بنابراین، در تمام مراتب تقرب به خداوند، مصادیق گوناگون خارج شدن از ظلمت‌ها به نور است که یکی از اهداف قرآن به شمار می‌آید.

- هدایت به راه‌های امن و صراط مستقیم؛ {قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ هُدًىٰ بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ... وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ} {قرآن: ۱۵، ۱۶/۵}؛ برای هدایت شما نوری عظیم و کتابی با حقانیت آشکار آمد. خدا با آن کتاب هر که را در پی رضا و خشنودی اوست به راه‌های سلامت و صراط مستقیم رهنمایی می‌کند.

- ورود به رحمت ویژه الهی؛ {يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا} {قرآن: ۱۷۶/۴، ۱۷۴}؛ ای مردم، برای هدایت شما از جانب خدا برهانی محکم آمد و نوری تابان به سوی شما فرستادیم. پس آنان که به خدا گرویدند و به او متوسل شدند به زودی، آنها را به جایگاه رحمت و فضل خود در خواهد آورد و به راه راست رهنمایی می‌نماید.

در روایات متعدد تفسیری نیز به اهداف نزول قرآن اشاره است^{۱۰} که ضمن توجه به عظمت و اهمیت و مقام صفات قرآن، در جایگاه کشف زبان قرآن نیز مورد توجه می‌باشد.

کتابی دارای این اهداف گسترده و چند بعدی و متعالی بی شک دارای زبانی خاصی است، که از طرفی رساننده‌ی جامعی برای تمام این اهداف باشد و از سوی دیگر قابل درک و استفاده تمام طبقات انسان‌ها از آن است، کتابی با زبانی خاص که هم عقل انسانها را به وسیله دلایل و براهین رهنمون باشد و هم قلب و احساس انسانها را با خود همراه نماید.

سوم؛ ویژگیهای صفات متن راه شناخت زبان

خداوند در قرآن کریم حدود نود ویژگی و وصف برای قرآن بیان نموده است که می‌توان آنها را در چند گروه دسته بندی نمود:

گروه اول؛ ویژگیهای قرآن که ناظر بر سنخ و جنس آن است، مانند: کلام الله، قول، وحی، احسن الحدیث، تنزیل، کتاب، مصحف، نبا عظیم، قصص، امر الله و...

گروه دوم؛ ویژگیهای ناظر بر عوامل و روش های قرآن برای رسیدن به اهداف غایی آن است، مانند: ذکر، موعظه، بصائر، بلاغ، نذیر، بشری، تبیان، بینات، فرقان، تفصیل، مبین، عربی،...

گروه سوم؛ ویژگیهایی که با مقوله‌ی علم ارتباط دارند و ناظر به اتقان و استحکام و نظم قرآن هستند، مانند: علم، حکمت، برهان، عدل، حق، حق‌الیقین، محکم، مبین، غیرذی عوج، صدق، مثنایی،...

در روایات متعدد و فراوانی نیز به این ویژگی‌ها اشاره شده است^{۱۱}.

^{۱۰} این نمونه‌ها را ببینید در: روایاتی که قرآن را هدایت و برهان، شفاء، رهانیدن از ضلالت به نور و... معرفی کرده اند؛ مانند: محدث نوری، مستدرک الوسائل، ۲۳۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ۲۹۰/۸۹؛ کلینی، الکافی، ۲/۶۰۱ و ۲۹۰؛ آمدی، غرر الحکم، ۱۱۱ و ۱۱۰؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ۲۳۶؛ روایاتی که راه حل اختلافات در بین عالمان را رجوع به قرآن می‌داند؛ مجلسی، بحار الانوار، ۲/۲۸۴؛ حلی، کشف الیقین، ۱۸۹؛ طبرسی، الاحتجاج، ۲/۲۵۸-۲۴۰؛ روایات بیان کننده تبیان کل شی بودن قرآن؛ حویزی، نورالثقلین، ۳/۷۳؛ طیب، اطیب البیان، ۱۰/۱؛ ابن بابویه، علل الشرایع، ۲/۶۱۰؛ کلینی، الکافی، ۱/۶۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ۱/۱۱ و...

^{۱۱} هر چند این روایات ناظر بر دیدگاه اهل بیت بر شناخت ویژگیهای قرآن است و بالطبع مسیری بر شناخت زبان قرآن اما به دلیل گستردگی این روایات از ذکر این روایات خود داری می‌نمایم.

بی‌گمان ویژگی‌هایی که این کتاب الهی به تصریح برای خود برشمرده است و یا در کلام اهل بیت (ع) به آن پرداخته شده است، بسیار کمک خواهد کرد تا ما گامی به سوی شناخت زبان قرآن برداریم. کتابی که دارای این ویژگی‌های ارزنده و روشنگر است نمی‌توان اتهام حیرت‌آفرینی، ایجاد سردرگمی و خاموشی و غیرگویایی بر زبان آن بست.

وجه چهارم؛ گستره مخاطبان راه شناخت زبان

یکی از روشهایی که می‌توان براساس آن زبان قرآن را بازشناسی کرد، شناخت مخاطبان قرآن است. خطابه‌های قرآنی محدود به افراد خاصی نیست. گاهی نوع بشر را مخاطب قرار داده (یا ایها الناس...، یا بنی آدم...) و گاه مومنان و کافران را (یا ایها الذین آمنوا...) و گاهی صاحبان خرد و اندیشه را (فاعتبروا یا اولوالالباب) و گاه انبیاء و رسل (یا ایها النبی...) و حتی گاهی غیر بشر (فبای الای ربکما تکذبان) را مورد خطاب قرار می‌دهد.

بسیار روشن است که قرآن خود را راهنمای تمامی انسان‌ها، از هر رنگ و نژاد و موقعیت می‌داند و همه را به تعالی و درک حقیقت می‌خواند و به شیوه‌های مختلف، گاه با مهر و نوازش و گاه با قهر و عتاب، او را به سوی خدا دعوت می‌کند: {إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ} (قرآن: ۳۸/ ۸۷) این قرآن جز مایه بیداری جهانیان نیست.

{يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا} (قرآن: ۴/ ۱۷۴ - ۱۷۵) ای مردم! به راستی که نشانی از طرف پروردگار شما آمد و نوری روشن بر شما فرستادیم. پس آنان که به خدا ایمان آوردند و بر (کتاب الهی) دست آویختند، به زودی همه را در رحمت و بخشش خود وارد می‌نماید و آنان را در راه راست به سوی خودش رهنمون می‌شود.

{يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ} (قرآن: ۱۰/ ۵۷) ای مردم! به راستی پندی از سوی پروردگارتان برای شما آمده، درمان دردهای درون شما و هدایت و رحمت برای مومنان است.

امیر المومنین نیز در خطبه ۱۹۸ نهج البلاغه با اشاره به گستردگی مخاطبان قرآن آن را قابل استفاده برای طیف‌های مختلف برمی‌شمارند چنانکه هر فردی از هر سطحی می‌تواند از قرآن بهره‌مند شود.

دستاورد این نگرش قرآنی به مخاطب فراگیر، آن خواهد بود که زبان باید زبانی چند سطحی، برای تمامی طبقات معرفتی و معنوی مخاطبان خود از هر رنگ، نژاد و صنف باشد.

با توجه به آنچه بیان شد در موضوع زبان قرآن می‌توان گفت، خداوند به تناسب مخاطب‌های گوناگون و موضوعات مطرح شده، در جای جای کتاب خویش نشانه‌های گوناگونی را برگزیده است و با توجه به مخاطب و مقام، سخن رانده است. قرآن در سایه الفاظ عربی و اصول و قواعد حاکم بر آن معارف و آموزه‌های لازم جهت هدایت انسانها را بیان نموده است. البته کاربردهای زبانی گوناگونی که در الفاظ قرآن متجلی است باعث ناهمگونی و بی‌نظمی ساختار کتاب خدا نشده است، چه

همه این الفاظ و به تبع آنها زبان‌های گوناگون، در سایه‌ی هدف و آرمانی مشترک که همان هدایت انسانهاست، مجموعه‌ای منسجم و همگون به وجود آورده‌اند تا بشر را در رسیدن به سرمنزل مقصود یاری نمایند. اما این زبان ترکیبی، دارای ویژگی‌های خاص است که به مهمترین آنها اشاره می‌کنیم:

۴. ویژگی‌های زبان شناختی قرآن

الف) «زبان قرآن را نمی‌توان با هیچ زبانی مقایسه کرد؛ مثلاً، آن را صرفاً زبانی معمولی و عرفی یا زبانی ویژه همانند زبان فیلسوفان و عارفان دانست.» (هادوی تهرانی، ۱۳۷۷، ص ۲۹۹ - ۲۹۸) «قرآن دارای اسلوبی ویژه خود می‌باشد که در چهره‌های گوناگونی که در سخن ارائه می‌کند با اسلوبهای کلام عربی تفاوت دارد.» (ولید قصاب، ۱۳۷۶، ص ۷۷)

ب) قرآن علاوه بر وحدت ارتباطی که در تمام متون وجود دارد و وظیفه انتقال پیام ویژه‌ای را عهده‌دار است، دارای وحدت موضوعی نیز می‌باشد. از ویژگی‌های زبان قرآن، به هم پیوستگی معنایی واژگان کلیدی، بلکه قریب به تمام مفاهیم آن در یک شبکه ارتباطی گسترده، به صورت نظام‌مند با یکدیگر است. هر کلمه یا عبارتی از این شبکه در پیوند با مجموعه سازمان‌واژگان، مفهوم واقعی خود را می‌یابد و چه بسا معنای یاد شده با معنای عرفی و لغوی آن دقیقاً منطبق نباشد. بیان قرآن کلامی است که الفاظش در عین اینکه از یکدیگر جدا هستند، به یکدیگر متصل‌اند؛ به این معنا که هر یک بیانگر دیگری است و به فرموده امام علی (ع)، شاهدی بر مراد دیگری است. پس نباید به مدلول یک آیه با آنچه از به کار بردن قواعد ادبی می‌فهمیم، اکتفا نماییم، بدون اینکه در سایر آیات مرتبط به آن کنکاش و بررسی شود؛ همانگونه که آیه شریفه {أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا} به همین معنا اشاره دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۷۶)

بنابراین، آشنایی با الفاظ و واژگان و قواعد زبان و لغت عربی، برای راهیابی به تمام ابعاد مفهومی و محتوایی آیات قرآنی و دریافت مقصود وحی کافی نمی‌باشد و اینگونه نیست که هر کس عرب بوده و یا با زبان عربی آشنا باشد، قرآن را به مجرد خواندن - بتمامه - بفهمد و به همه معارف آن دست یابد،^{۱۲} بلکه علاوه بر آنها، در موارد بسیاری و شاید همه جا، فهم واژگان اساسی و وجوه معنایی کلمات آیات و عبارات به مضامین تفسیری دیگر آیات مرتبط است و تحلیل مجموعی مفردات و مفاهیم به نظام معنایی حاکم بر کل قرآن وابسته است.^{۱۳}

^{۱۲} ر. ک. به: روش شناسی تفسیر المیزان، پژوهشهای قرآنی، ش ۹ و ۱۰، ص ۱۱۱ - ۱۱۲

^{۱۳} پروفیسور ایزوتسوی ژاپنی درباره این ویژگی زبان قرآن می‌نویسد: کلمات کلیدی قرآن ... همچون الله، اسلام، نبی، امام، کافر و نظایر اینها ... در قرآن، هیچیک تنها و منعزل از کلمات دیگر به کار نرفته‌اند، بلکه در ارتباط نزدیک به یکدیگر مورد استعمال قرار گرفته‌اند و معنای محسوس و ملموس خود را دقیقاً از مجموع دستگاه ارتباطاتی که با هم دارند، به دست می‌آورند. (ر. ک. به: همو، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، ص ۵) این ویژگی مورد توجه و عنایت قرآن پژوهان و مفسران دیگر نیز بوده است. علامه

ج) در قرآن، سطوح مختلف بیانی به تناسب مخاطبان و نوع پیام، به صورت خارق العاده و به گونه‌ای اعجاب آور در هم تلفیق شده است. شاید این نکته از ویژگیهای بارز کتابهای آسمانی باشد که تنها در قرآن تجسم دارد. (آریان، ۱۳۷۹)

د) از ویژگیهای کلیدی زبان قرآن این است که از سطوح و لایه‌های گوناگون معنایی برخوردار است و شناخت لایه‌های درونی آن دوررس‌تر است، چنان‌که فهم عادی و معمولی آن در دسترس‌تر است و گذشت که از این ویژگی به داشتن ظاهر و بطن نیز تعبیر می‌شود. بر اساس این دیدگاه، بیان قرآن بیان زنده و پویایی است؛ زیرا با هر اندیشه برگرفته از واقعیت سازگاری و هماهنگی دارد و محدود به سطح خاص یا فکر خاصی نیست. (ر. ک: حسینی، ۱۳۷۵) قرآن از زیاد شدن هدایت و ایمان سخن می‌گوید، معلوم می‌شود که هدایت و ایمان ذو مراتب است، از طرفی روشن می‌گردد زبان قرآن، نیز زبانی ذو مراتب و چند سطحی است. معانی قرآن لایه لایه و ذوب‌طون است. بدان معنا که برای تمام مراتب رشد و حرکت معنوی انسانها دارای پیامی متناسب است.

ه) خداوند در متن قرآن صرفه‌جویانه‌ترین نظام شناختی را پدید آورده تا با کمترین نشانه‌ها بیشترین معانی را القا کند. خداوند همه مطالب خود را در سطح ظاهر آشکار نمی‌کند، بلکه بخش وسیعی از آن باید توسط خواننده یافته شود. برخورداری از محکم و متشابه‌گویی این عملکرد در قرآن است. بنابراین تشابه ابهام مفهومی نیست، بلکه روشن نبودن مراد الهی^{۱۴} است؛ یعنی «در قرآن مجید، تشابه به معنای آیه‌ای که مدلول حقیقی خود را به هیچ وسیله‌ای به دست ندهد وجود ندارد، بلکه هر آیه‌ای که در افاده مدلول حقیقی خود، مستقل نباشد (یعنی متشابه باشد) به واسطه آیات دیگری میتوان به مدلول حقیقی آن پی برد و این همان ارجاع متشابه به محکم است.» (علامه طباطبایی، ۱۳۷۵، ص ۳۰)

احکام و تشابه نسبی است؛ یعنی ممکن است آیه‌ای از جهاتی محکم و از جهاتی متشابه باشد. از اینرو، می‌توان گفت: این ویژگی در سرتاسر قرآن جاری است. از سوی دیگر، به کارگیری این خصوصیت برای بیان مقاصد الهی کاری اجتناب ناپذیر بوده است؛ زیرا تنزل دادن سطح بیان به حد فهم عامه مردم، که اغلب ادراکات‌شان با حسیات آمیخته است و معانی

طباطبایی در المیزان، ۱ / ۲۳۸ و ۲ / ۱۳۲، و استاد معرفت طی سه مقاله در مجله بینات، شماره های ۱، ۳، ۴ برخی از این واژگان را بررسی کرده اند.

^{۱۴} میتوانیم میان دو نوع مراد جدی خداوند فرق بگذاریم: مراد جدی بالفعل و مراد جدی بالقوه. هر مرادی که از سطح ظاهری متن قرآن (آیات محکم) درک شود در محدوده مراد جدی بالفعل می‌گنجد و اما مجموعه مرادهای که در سطح پنهان قرآن باقی می‌مانند و مفسران وظیفه به فعلیت درآوردن آن را دارند در محدوده مراد جدی بالقوه قرار دارد. البته این تقسیم بندی نسبت به انسانها می‌باشد و خداوند به تمام دلالت‌های نشانه‌های که به کار برده است آگاه و عالم است. ر. ک. قائمی‌نیا، بیولوژی نص، ۱۸۶

کلی را در قالب محسوسات درمی‌یابند، جز از طریق جای‌گذاری محکم و متشابه در کلام امکان نداشته است. (المیزان، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۶۲-۶۳)

و - از دیگر ویژگیهای زبان قرآن این است که همزمان از کارکردهای متنوع و مختلفی برخوردار است. قرآن در حالیکه واقعیت را بیان می‌کند، مردم را به سوی جهت سعادت تحریک و تشویق می‌کند و در عین حال، عواطف صاحب وحی را به طوری صحیح آشکار می‌کند. ای بسا قلوب که با تخویف و انداز متناسبند و قلوبی که با وعده و تبشیر سروکار دارند. از این جهت است که این کتاب شریف به اقسام مختلفی و فنون متعدده و طرق مشتته مردم را دعوت فرموده است. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ۱۸۷)

ز) سبک قرآن آمیختگی موضوعات باهم است. کتابهای بشری هم از لحاظ گستره موضوع، محدود به موضوع یا موضوعات خاص اند و هم از نظر پردازش و دسته بندی و فصل بندی سبک شناخته شده‌ای دارند. قرآن، در اساس حامل پیام هدایت برای انسان است، اما در انجام این رسالت به اقتضای حکمت خدا در تربیت انسان، از یک سو به موضوعات گوناگون، که هر یک به نوعی در ارتباط با هدایت انسان است، توجه می‌کند و از دیگر سو، در چگونگی انجام رسالت و پیام خود، موضوعات مورد گفتگوی خود را در قالب فصل بندی خاصی جای ندهاده است. با نگاه به هر یک از سوره‌های قرآن کریم در می‌یابیم مطالب و موضوعات آن نظم موضوعی نداشته، بلکه سبک مخصوص به خود را داراست.

قرآن به لحاظ جاودانگی و جهانی بودن از سطح یک زبان عرفی خارج می‌گردد، بلکه دارای زبانی دلنشین، پویایی آن به گونه‌ای است که همواره بر جان انسانها اثر می‌گذارد و آنها را به سمت سعادت ابدی می‌خواند، بدین روی، با توجه به آنچه گذشت می‌توان چنین نتیجه گرفت که قرآن هرچند به زبان عربی فصیح می‌باشد اما گزاره {بَلِسَانَ قَوْمِهِ} (قرآن: ۴/۱۴) علاوه بر اشاره به همزبانی لغوی، به بیان در حد سطح درک و فهم عموم مخاطبان و توجه به نوع و مدل گفتمان عمومی مردم را نیز در برمی‌گیرد. از طرفی نشانه‌ها و علائم فرا عرفی در قرآن آنچنان زیاد است که نمی‌توان زبان قرآن را تنها عرفی دانست.

از طرف دیگر این موضوع نیز روشن است که قرآن هرچند مشتمل بر حقایق عقلانی و استدلالات برهانی است، اما زبان قرآن را نمی‌توان زبان فلسفی یا کلامی به اصطلاح رایج دانست.

همچنین با وجود یک سری توضیحات علمی و بیان پدیده‌های خرد و کلان هستی و فرد و اجتماع انسان، در قرآن نمی‌توان آن را یک کتاب علمی در مفهوم رایج کلمه چون: زیست شناسی، جامعه شناسی شناسی، کیهان شناسی، روان شناسی، انسان شناسی و مانند آن معرفی کرد، و زبان آن را زبان علمی دانست. همان گونه که با اتصاف قرآن به انواع محسنات کلامی و جلوه‌های هنری و زبان شناسی چون: مجاز، کنایه، تمثیل، استعاره، حذف و ایجاز و مانند اینها نمی‌توان رسالت قرآن را تنها در قلمرو هنر جستجو نمود و زبان قرآن را زبان هنری، نمادین یا اسطوره‌ای دانست.

و سرانجام آنکه بعد اخلاقی یک رکن اساسی از آموزه های قرآن را تشکیل می دهد، با این همه نمی توان آن را صرفاً از منظر اخلاقی نگریست و زبان آن را زبان احساس گروی و کارکردی متصف کرد (سعیدی روشن، ۱۳۸۷، ص ۳۸۶). شاید از این روست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم می فرمایند: «فَضْلُ الْقُرْآنِ عَلَى سَائِرِ الْكَلَامِ كَفَضْلِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ...» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۸۹، ص ۱۷)

۵. روایات ناظر بر زبان خاص قرآن

روایات گوناگونی اشاره به زبان خاص قرآن و ترکیبی بودن در بیان معارف دارد، در این قسمت به دو روایت اشاره می کنیم:

روایت اول؛ امام علی (ع) در تبیینی از قرآن می فرماید: تَعَلَّمُوا كِتَابَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ وَ أْبْلَغُ الْمَوْعِظَةِ وَ تَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رِبِيعُ الْقُلُوبِ وَ... (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۴، ص ۲۹۱)

امر به یادگیری قرآن در روایت دربین مردمی که زبان عربی زبان مادری آنها است، نشان دهنده این است که زبان قرآن در سطحی برتر از زبان عربی است که ویژگیهای خاص خود را دارد. در این روایت امام علی (ع) قرآن را بهترین و بلیغ ترین گفتار معرفی می کنند و این اشاره به سطحی فراتر از متون بشری بودن قرآن دارد که انسانها به واسطه تفقه و کنکاش در آن به اهداف دربردارنده آن می رسند.

روایت دوم- در روایت مفصلی امام علی به اقسام هفتگانه مدل بیان آیات اشاره می کنند و ضمن اشاره به عام بودن زبان قرآن، به علت وجود نشانه ها و علائم فرا عرفی در آن و وجود عرفی خاص، در قرآن به سطحی برتر، در زبان قرآن اشاره دارد. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۹۰، ص ۴)

در ابتدا، این روایات قرآن را شامل هفت قسمت که هر بخشی از آن شفا دهنده و کفایت کننده است معرفی کرده که این هفت قسم عبارت اند از: امر و نهی و ترغیب و ترساندن و جدل و مسائل و حکایت. سپس به نوع زبان و نشانه های خاص قرآن اشاره دارد، هر کدام از کاربرد نشانه ها که امام در قرآن بیان نموده اند، اشاره بر بحثی در دانش نشانه شناسی دارد که امروزه در فهم متون مطرح شده است^{۱۵} و می فرمایند: در قرآن آیات ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و خاص و عام و مقدم و مؤخر و واجبات و رخصت ها و حلال و حرام و فرایض و احکام و منقطع و معطوف و منقطع و نامعطوف و حرفی به جای حرفی دیگر وجود دارد. بعضی از کلمات قرآن لفظش خاص است و بعضی لفظش عام است و عمومیت را می رساند و بعضی لفظش مفرد است و معنایش جمع و برخی لفظش جمع است و معنایش مفرد. برخی لفظش ماضی است و معنایش مستقبل،

^{۱۵} به شکل اشاره وار انطباق بیانات امام با مباحث نشانه شناسی بیان شده است اما به دلیل گستردگی این موضوع و برای آشنایی دقیق- تر با عنوان این مباحث می توانید به کتاب بیولوژی نص مراجعه کنید.

برخی لفظش خبری است و معنایش حکایت از قومی دیگر. بعضی از آن‌ها باقیست و از جهت و معنای اصلی‌اش برگردانده شده‌است (بحث کد گذاری اضافی در نشانه شناسی). بعضی از آن‌ها معنایی خلاف تنزیل‌اش دارد و برخی تأویل و تنزیل‌اش یکی است. بعضی تحویلش پیش از تنزیل آن است و بعضی تحویلش بعد از تنزیل‌اش.

در قرآن آیاتی هست که قسمتی از آن در سوره‌ای است و دنباله آن در سوره‌ای دیگر آیاتی هست (اشاره به وحدت موضوعی و شبکه‌ای در قرآن) که نصفش منسوخ است و نصفش به حال خود باقی است. بعضی از آیات آن الفاظشان متفاوت است، اما معنایشان با هم یکسان است آیاتی هم هست که لفظشان یکسان اما معنایشان متفاوت است. بعضی آیات ناظر بر رخصت از تو و بعد از قطعیت دست‌باز گذاشته شده‌است، زیرا خداوند عزوجل دوست دارد، همان گونه که به واجبات و احکام قطعی‌اش عمل می‌شود به اجازات و رخصت‌هایش نیز عمل شود. بعضی از قرآن رخصت است و شخص مکلف آزاد است که اگر خواست آن را انجام دهد و اگر خواست ترک کند. بعضی از آن رخصتی است که ظاهرش برخلاف باطنش می‌باشد. به ظاهر آن به گناه تقیه عمل می‌شود؛ ولی به ظاهر آن در تقیه هم نمی‌توان عمل کرد. بعضی از قسمت‌های قرآن خطابش به عده‌ای است ولی مقصود دیگران هستند. برخی از آن آیات مخاطبش پیامبر است، اما مقصودش امت اوست (بحث توجه به مخاطب قرآن در نشانه شناسی). بعضی از قسمت‌های آن هست که حرام شمردنش جز با حلال شمردن آن شناخته نمی‌شود و قسمت‌هایی هم در قرآن هست که تالیف و تنزیل آن بر غیر معنایی است که درباره آن نازل شده‌است.

بعضی از قسمت‌های قرآن هست که پاسخ خداوند متعال و احتجاج و حجت‌آوری او بر همه ملحدان و زندیق و دهری و ثانویه و قدریه و جبریه و بت پرستان و آتش پرستان است و قسمت‌هایی از آن احتجاج بر ضد مسیحیان و درباره عیسی است، قسمت‌هایی از آن رد بر یهودیان و قسمت‌هایی از آن پاسخ به کسانی است که می‌گویند ایمان قابل افزایش و کاهش است نه کفر. قسمت‌هایی از آن نیز در پاسخ به کسانی است که خیال می‌کنند بعد از مرگ و پیش از قیامت پاداش و کیفر کیفری در کار نیست.

۶. اصل توجه به زبان شناسی در هرمنوتیک روشگرا

این نکته مقدمتاً گفته می‌شود تا سپس آن را با اصل زبان شناسی در تفسیر اهل بیت، تطبیق دهیم. علم هرمنوتیک علمی است زبان محور، چنانکه بیان شد علم هرمنوتیک بر پایه زبان و فهم استوار است. لذا در مباحث هرمنوتیکی معنا و زبان (اعم از زبان شفاهی یا مکتوب) جایگاهی محوری و تعیین کننده داشته است.

فهم متن و فن تفسیر، مقوله‌ای زبانی است؛ از این‌رو، مبتنی بر شناخت قراردادهای و سازوکارهای موجود در آن زبان از یک سو و آشنایی با اصول و قواعد کلی و عام عقلایی حاکم بر ارتباط زبانی از سوی دیگر است. بدون آشنایی با لغات و قواعد

دستوری زبان و پایبندی به اصول و مبانی محاوره و تفهیم و تفاهم عقلایی مربوطه، نمی‌توان به فهم متن نائل آمد. در هرمنوتیک روشگرا نیز، بسته به محتوا و هدف نوشتار به سبک و ژانر و نوع اثر توجه شده است.

توجه به زبان شناسی متن و درک سبک نوشتار، مرحله‌ای بود که پس از سیر تکاملی در تفسیر فنی شلایر مآخر حاصل شد. تاکید نخست شلایر مآخر بر این بود که درک جنبه روان شناختی هر گفتار و نوشتاری در سایه درک سبک خاص مؤلف و گوینده آن به دست می‌آید، و مادام که استعداد درک جنبه‌ی دستوری زبان، با استعداد درک فردیت مؤلف، که از خلال درک سبک او بدست می‌آید، همراه نشود، به تفسیر و فهم مطلوب نائل نخواهیم شد (واعظی، درآمدی بر هرمنوتیک، ۹۱). وی در اهمیت سبک می‌گوید: «هدف هرمنوتیک درک کامل و تام سبک است.» (پالمر، علم هرمنوتیک، ۹۰) از این رو، تفسیر روان شناختی شلایر مآخر ابتدائاً و حقیقتاً متوجه درک ذهنیت مؤلف نیست؛ بلکه به منزله روشی برای درک سبک خاص مؤلف در کاربرد زبان می‌باشد. اما مدتی بعد افزون بر آن به عنوان راهنمایی برای بازسازی ریشه و منبع متن از طریق فرایندهای ذهنی مؤلف مطرح شد. پس از این تحول و طرح تفسیر روان شناختی و فنی به قصد بازسازی، همدلی و تجربه مجدد ذهنیت صاحب اثر، دیگر موضوع فهم و تفسیر، صرف محتوای خاص و اساسی متن نبود؛ بلکه «فرایند ظهور باطن اندیشه به زبان» جایگزین موضوع پیشین تفسیر شد. (واعظی، ۱۳۸۶، ص ۹۲) به زبان گویاتر شناخت زبان متن که انعکاس دهنده اندیشه مؤلف است.

هرش نیز در کتاب "اعتبار تفسیر" خود فصلی را با عنوان مفهوم ژانر (نوع معنایی) باز کرده است و در آن به نقش محوری آن اشاره دارد، وی از دانش نشانه‌شناسی و زبان شناسی سوسور تأثیری زیادی گرفته است. هرش در این زمینه دیدگاهی اغراق آمیز دارد (واعظی، ۱۳۹۷، ص ۲۸۱) تا آنجا که خود فهم را امری وابسته به ژانر می‌داند (هرش، ۱۳۹۵، ص ۱۱۱). وی «معنای لفظی» را متفاوت از معنای ضمنی می‌داند و آن را «نوع اراده شده» یا همان تیپ تعریف می‌کند. «اراده تعیین بخش مؤلف» در کنار «قواعد و ملاکهای عمومی»، «سنت‌ها»، «بافت و سیاق کلام» و «ضرورت‌های زبانی» در تفسیر موثر است. جزئیات معنایی که مفسر می‌فهمد، قویا با انتظارات معنایی او تعیین می‌شود و قوام می‌یابد. اما این انتظارات ناشی از تلقی مفسر از «نوع معنا»یی است. هرش با اشاره به اهمیت «نوع معنا»یی که در متن در حال بیان شدن است. آن را صرفاً یک نوع پیام یا مضمون یا هر چیز بسیار ساده‌ای که محتوای صرف باشد، نمی‌داند. انتظارات مفسر بسیار بیش از این را دربر می‌گیرد. این انتظارات مؤلفه‌های زیادی را شامل می‌شود که ممکن است حتی به شیوه آشکار در گفتار یا بافت و سیاق کلام آن گفتار نیامده باشد، مثل رابطه ای که فرض شده است میان سخنگو و مفسر وجود دارد، نوع واژگان و دستور زبانی که استفاده می‌شود، نوع نگرشی که سخنگو انتخاب می‌کند و نوع معنایی غیر آشکاری که با معانی آشکار همراه است. چنین انتظاراتی همیشه برای فهم ضروری- اند زیرا تنها به میانجی آنهاست که مفسر می‌تواند واژگانی را که در طی مسیر تفسیر تجربه می‌کند، بفهمد. (هرش، ۱۳۹۵، ص ۱۰۴)

۷. نتیجه

با نگاهی به کارکرد توجه به زبان قرآن کریم که در روایات نیز به آن اشاره شده بود و اصل زبان شناسی در هرمنوتیک اهمیت توجه به این کارکرد در نزد هر دو حوزه، برای فهم متون کاملاً مشخص و میرهن است.

هرچند آنچه در زبان شناسی در هرمنوتیک مطرح می‌گردد، در حول متون ادبی شکل گرفته است، اما به گفته هرش این اصلی حقیقتاً عام و کلی است که دایره شمول آن تفسیر متون مقدس را نیز در بردارد. (هرش، اعتبار در تفسیر، ۱۶۸) اما قرآن بدان سبب که متنی خاص است - که به آن اشاره شد - فهم نشانه‌های آن نیز بسیار عمیق‌تر از آنچه در هرمنوتیک به صورت جزئی و در دانش نشانه‌شناسی به صورت خاص مطرح می‌باشد. با تمام دقت نظری که در فلسفه غرب نسبت به نشانه شناسی و زبان شناسی شده و پیشرفتهای که در این زمینه حاصل شده، اما در فهم متون الهی همچنان ناکافی و ناقص است. هر چند از رشد این دانش می‌توان در بهره‌وری بهتر از دانش تفسیر در فهم قرآن استفاده نمود که لازمه آن ورود متخصصین این علم در فهم نشانه‌های قرآن و زبان قرآن با توجه به ویژگیهای خاص قرآن از جمله وحدت شبکه‌ای، ذو وجوه بودن، تنوع داشتن لایه‌ها و بطون معنایی و غیره می‌باشد تا در سایه آن بتوان دگر بار تحولی عظیم همچون علامه طباطبائی در تفسیر ایجاد نمود.

منابع

قرآن

۱. آریان، ۱۳۷۹، زبان قرآن؛ ساختار و ویژگی‌ها، معرفت، شماره ۳۵
۲. ا. پالمیر، ریچارد، ۱۳۷۷، علم هرمنوتیک، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، انتشارات هرمس، تهران
۳. بحرانی، هاشم بن سلیمان، ۱۴۱۵ق، البرهان فی تفسیر القرآن، مؤسسه البعثه. مرکز الطباعة و النشر، قم
۴. حسینی، سید موسی، ۱۳۷۵، گرایش علمی در تفاسیر معاصر، مجله پژوهشهای قرآنی، ش ۷ و ۸، ص ۱۱۷ - ۱۱۸.
۵. خمینی، روح الله، ۱۳۷۸، آداب الصلوه، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تهران، چاپ هفتم
۶. رضایی اصفهانی، محمد علی، ۱۳۸۲، روشها و گرایشهای تفسیری قرآن (منطق تفسیر قرآن)، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم
۷. سعیدی روشن، محمد باقر، ۱۳۸۷، تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم
۸. قائمی نیا، علیرضا، ۱۳۸۹، بیولوژی نص؛ نشانه شناسی و تفسیر قرآن، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران
۹. قصاب، ولید، ۱۳۷۶، اعجاز از دیدگاه جاحظ، مترجم: حجتی، سید محمد باقر، بینات (موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام)، شماره ۱۶، صص ۶۸ - ۹۱
۱۰. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم

۱۱. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۷۵، قرآن در اسلام، دفتر نشر اسلامی، قم
۱۲. کایلی، پل و لیتزا، یانتس، ۱۳۸۰، نشانه‌شناسی، محمد نبوی، شیرازه، تهران
۱۳. مسعودی، محمد مهدی، ۱۳۷۶، روش شناسی تفسیر المیزان، پژوهشهای قرآنی، شماره ۹-۱۰، صص ۱۰۲-۱۲۳
۱۴. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴، بحار الانوار، انتشارات الوفا، بیروت
۱۵. واعظی، احمد، ۱۳۸۶، در آمدی بر هرمنوتیک، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ هفتم، تهران
۱۶. واعظی، احمد، ۱۳۹۷، نظریه تفسیر متن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم
۱۷. هادوی تهرانی، مهدی، ۱۳۷۷، مبانی کلامی اجتهاد در برداشت از قران، موسسه فرهنگی خانه خرد، قم
۱۸. هرش، اریک دونالد، ۱۳۹۵، اعتبار در تفسیر، ترجمه: محمد حسین مختاری، حکمت، تهران